

دکتر رابرت ای. پترسون، کلیسا و آخرین چیزها جلسه ۱، داستان کتاب مقدس و متون کلیدی

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریسش در مورد آموزه‌های کلیسا و آخرالزمان. این جلسه ۱، داستان کتاب مقدس و متون کلیدی است.

به سخنرانی‌های ما در مورد کلیساشناسی و آخرت‌شناسی، یعنی آموزه‌های کلیسا و آخرالزمان، خوش آمدید.

من رابرت پترسون هستم، استاد بازنشسته الهیات سیستماتیک در دو مدرسه علمیه انجیلی، که در حال حاضر بازنشسته شده‌ام اما به صورت پاره وقت مشغول ویرایش و نوشتن هستم و به عنوان کشیش وابسته در کلیسای میثاق گریس در سنت چارلز، میسوری خدمت می‌کنم.

لطفاً با من دعا کنید پدر، از تو به خاطر کلام و آموزه‌هایت سپاسگزارم. به ما حکمت عطا کن و از طریق کلامت ما را آگاه کن، بلکه بیشتر به تصویر پسر تبدیلمان کن. به نام مقدس او دعا می‌کنیم، آمین.

آموزه چیزهای آخر، بخش دوم این دوره، یعنی آموزه کلی کلیسا است. ما با داستان کتاب مقدس شروع خواهیم کرد، که درست همان جایی است که باید شروع کنیم زیرا الهیات باید مبتنی بر تفسیر باشد و تفسیر باید در چارچوب داستان کتاب مقدس قرار گیرد، بنابراین داستان شماره یک کتاب مقدس

دوم اینکه، برخی از متون کلیدی در هر دو عهد به قوم خدا می‌پردازند. من قصد ندارم وارد این بحث شوم که آیا باید قوم خدا در عهد عتیق را کلیسا بنامیم یا خیر. از برخی جهات، باید این کار را بکنیم.

در سراسر کتاب مقدس، یک قوم خدا وجود دارد. البته از جهات دیگر، کلیسای عهد جدید تازگی‌هایی دارد، بنابراین من آنها را قوم خدا در عهد عتیق می‌نامم. ما به برخی از عبارات کلیدی در هر دو عهد و سپس تصاویر کتاب مقدس از کلیسا نگاهی خواهیم انداخت.

باز هم، تأکید الهیاتی کتاب مقدس، قوم خدا، معبد روح القدس، عروس مسیح، بدن مسیح و غیره. این تصاویر ارزش توجه ما را دارند. سپس، کلیسا در عهد عتیق، که بررسی گسترده‌تری بر اساس تحقیقاتی است که اخیراً انجام داده‌ام.

قوم خدا در عهد عتیق، باید بگوییم که با آنچه که گفتیم سازگار است. الهیات تاریخی. سیستماتیک مبتنی بر تفسیر و الهیات کتاب مقدس است که در یک خط مستقیم قرار دارند و به سیستماتیک اشاره می‌کنند اما نه در یک خط مستقیم، اما برای انجام سیستماتیک خوب، مراجعه به تاریخ آموزه‌ها، چگونگی درک کلیسا از آموزه‌های کتاب مقدس ضروری است، و ما می‌خواهیم الهیات تاریخی کلیساشناسی، الهیات تاریخی کلیسا را انجام دهیم، فقط به برخی از نکات برجسته اشاره می‌کنیم، که با این وجود ما را به تفکر در مورد منشأ برخی عبارات مهم، روش‌های صحبت در مورد کلیسا، تأکیدات مختلف کتاب مقدس و الهیاتی که در دوره‌های مختلف برجسته شده‌اند و غیره، ادعاهای کاتولیک رومی و غیره سوق می‌دهد.

سپس، بررسی مختصری از کلیسا و کلیساهای، مطالعه نحوه استفاده از کلمه کلیسا و کلیساهای، کلمات کلیسا و کلیساهای در عهد جدید، انجمن‌های محلی فردی، کلیساهای سطح شهر، کلیساهای در استان‌های رومی، همه کلیساهای در یک استان خاص را می‌توان کلیسا نامید، و سپس در اعمال رسولان ۱۵ در شورای اورشلیم

، کلیسای جهانی کلیسا نامیده می‌شود. بنابراین، در این کاربردهای کلمه کلیسا، تداومی وجود دارد. سپس، ویژگی‌های تاریخی کلیسا.

این کلیسا، کلیسای مقدس، کاتولیک، جهانی و رسولی است. این کلیسا از یکی از اعتقادات اولیه کلیسا سرچشمه می‌گیرد و به یک تابلوی تاریخی تبدیل شده است و ما را در مسیری بسیار پربار، تا آنجا که به آموزه‌های کتاب مقدس در مورد کلیسا مربوط می‌شود، هدایت می‌کند. این ویژگی‌ها مربوط به پدران کلیسا هستند.

نشانه‌های کلیسا اصلاح‌طلبانه هستند، و اصلاح‌طلبان بر اساس این ویژگی‌ها بنا نهادند، ویژگی‌های کلیسا را پذیرفتند و از نحوه برخورد روم با برخی از این موارد انتقاد کردند، اما آنها نشانه‌هایی را اضافه کردند زیرا با وضعیت جدیدی روبرو بودند و باید سعی می‌کردند درست را از نادرست تشخیص دهند. چگونه این کار را انجام می‌دهید؟ آنها بر سه نشانه کلیسا تأکید کردند: موعظه صحیح کلام، اجرای صحیح آیین‌ها یا احکام کلیسا، و اجرای وفادارانه انضباط کلیسا. ما در مورد این نشانه‌ها صحبت خواهیم کرد.

از آن، ما یک بررسی اجمالی در مورد جدایی کلیسا خواهیم داشت. چه زمانی مسیحیان باید از کلیسا جدا شوند؟ چگونه حقیقت و خطا را ارزیابی می‌کنیم؟ تفاوت بین بدعت، ارتداد و تفرقه چیست؟ آیا همه ما خطا نداریم؟ آیا برخی خطاها مهم‌تر از برخی دیگر هستند؟ آیا چیزی به عنوان خطای سیستماتیک، خطای سراسری یا سیستماتیک وجود دارد؟ و اگر چنین است، مطمئناً وجود دارد، پس اگر مسیحیان، مؤمنان واقعی به مسیح، سایر مسیحیان را به دلیل خطای سیستماتیک مقصر بدانند، که مطمئناً ما این کار را می‌کنیم، آیا این همان بدعت است؟ آیا باید کسانی را که حتی به روش‌های سیستماتیک با ما مخالف هستند، بدعت‌گذار بنامیم؟ آیا این کتاب مقدس است؟ ما به برخی از این مسائل خواهیم پرداخت و در کنار آن، تا آنجا که هنوز موضوع جدایی کلیسا است، در مورد وظیفه کشیشان در پرتو برخی از این موارد بحث خواهیم کرد. در پرتو خطا، آموزه‌های نادرست و تفرقه، بدعت‌گذاران چه کسانی هستند؟ وظیفه کشیش چیست؟ چگونه این کار انجام می‌شود؟ برخی از دستورات عمل‌ها چیست؟ سپس به احکام کلیسا خواهیم پرداخت زیرا آنها توسط خدا در عهد عتیق و توسط مسیح در عهد جدید فرمان داده شده‌اند.

در کتاب مقدس جدید، ما دو مورد داریم، غسل تعمید و شام خداوند، و ما به طرق مختلف و بر اساس دیدگاه‌های مختلف و معانی کتاب مقدس غسل تعمید و شام خداوند به آنها خواهیم پرداخت. در اداره کلیسا، تعدادی دیدگاه اساسی مختلف وجود دارد که در نهادها و فرقه‌های مختلف کلیسا منعکس شده است. این دیدگاه‌ها از کجا آمده‌اند؟ اداره کلیسا چگونه به نظر می‌رسد؟ سپس با نگاهی به برخی از آموزه‌های اصلی. و سپس خدمات کلیسا، دکترین کلیسا را به پایان می‌رسانیم. کلیسا قرار است چه کاری انجام دهد؟ مهمترین امور زندگی کلیسا، بار دیگر، طبق کتاب مقدس چیست؟ بنابراین، ما با کلیسا در داستان کتاب مقدس شروع می‌کنیم.

قوم خدا با آدم و حوا شروع می‌شوند. من خودم را در حال تناقض می‌بینم. من طرفدار این نیستم که بگویم کلیسا در عهد عتیق است، مگر اینکه منظورتان این باشد که من نمی‌گویم کلیسای عهد جدید در عهد عتیق است.

اگر منظورتان این است که قوم خدا در عهد عتیق هستند، دقیقاً منظورم همین است، اما من در واژگان دچار تناقض می‌شوم. قوم خدا با آدم و حوا در باغ عدن آغاز می‌شوند. خدا آنها را به صورت خود می‌سازد، که تا حدودی به این معنی است که آنها در مشارکت با خالق خود، پیدایش ۱:۲۷، آفریده شده‌اند. بنابراین، خدا انسان را به صورت خود آفرید.

او را به صورت خدا آفرید. او آنها را مرد و زن آفرید. آنها صدای راه رفتن او را در باغ می‌دانند، پیدایش ۳.۸. حتی پس از اینکه آنها علیه خدا شورش کردند، او آنها را رها نکرد بلکه قول داد که یک نجات‌دهنده بفرستد. انجیل اولیه معروف پیدایش ۳:۱۵. خداوند با لعنت کردن شیطان می‌گوید: من دشمنی را بین تو، شیطان، و زن، حوا، و بین نسل تو و نسل او قرار خواهم داد، او، شیطان، سر زن را خواهد کوبید، او سر تو را خواهد کوبید، تو پاشنه او را خواهی کوبید.

نسل زن سر شیطان را خواهد کوبید. شیطان پاشنه نسل زن را خواهد کوبید. از دیدگاه پیدایش کاملاً واضح نیست، اما با نگاهی به گذشته، شیطان یهودا را ترغیب می‌کند تا به پسر خدا که مصلوب شد خیانت کند؛ یعنی پاشنه او کوبیده شده است.

می‌گویید مصلوب شدن؟ آیا این کوبیدن پاشنه پاست؟ خب، به این دلیل است که این عمل بزرگ خداست که جهان را نجات دهد و به دنبال آن رستاخیز مسیح رخ می‌دهد، اما از قضا، مرگ مسیح کوبیدن سر شیطان است. این خداست که از طریق پسر و روح القدس، شر را شکست می‌دهد. کلیسا و داستان کتاب مقدس

بعدها، خدا ابراهیم را از خانواده‌ای بت‌پرست فرا می‌خواند؛ فصل آخر یوشع به ما می‌گوید که یوشع ۲۴ با او پیمانی می‌بندد، توافقی جدی که قول می‌دهد برای او و فرزندانش پس از او خدا باشد. پیدایش ۱۷:۷ بسیار زیباست. خدا به ابراهیم وعده می‌دهد، من عهد خود را بین خود و تو و فرزندانت پس از تو، در طول نسل‌هایشان، برای عهدی ابدی استوار خواهم کرد، تا برای تو و فرزندانت پس از تو خدا باشم.

چه وعده شگفت‌انگیزی، بخشی از عهدی که خدا با ابراهیم می‌بندد. عهد یک رابطه است، اما رابطه‌ای رسمی بین خدا و قومش که اغلب با خون، خون قربانی، مهر و موم می‌شود. خدا وعده می‌دهد که به ابراهیم سرزمینی بدهد، علاوه بر اینکه او را به ملتی بزرگ تبدیل می‌کند، و از طریق او همه مردم را برکت می‌دهد.

پیدایش ۱۲:۳. من آنها را برکت خواهم داد، تو را ملتی بزرگ خواهم ساخت، ۱۲:۲، و تو را برکت خواهم داد. و نام تو را بزرگ خواهم کرد تا تو مایه برکت باشی. خدا با ابرام که شد، که ابراهیم شد، صحبت می‌کند.

من کسانی را که تو را برکت دهند، برکت خواهم داد و کسی را که تو را بی‌حرمت کند، نفرین خواهم کرد و در تو، همه خانواده‌های زمین برکت خواهند یافت. در فصل ۲۲، با قربانی اسحاق، آمده است که همه مردم زمین برکت خواهند یافت. همه خانواده‌ها، همه مردم

ابراهیم نمی‌توانست تصور کند که این چگونه قرار است اتفاق بیفتد، زیرا او و سارا فرزندی نداشتند و نمی‌توانستند بچه‌دار شوند، اما همه چیز برای خدا ممکن است. از ابراهیم، اسحاق و یعقوب به وجود آمدند که خدا نامشان را به اسرائیل تغییر داد و از آنها خدا ۱۲ قبیله از قوم خود را به وجود آورد. بقیه عهد عتیق مربوط به برخورد خدا با این ۱۲ قبیله اسرائیل است.

خداوند از طریق بلاهای بزرگ و یک خروج چشمگیر، بنی اسرائیل را از بندگی مصر فرا می‌خواند تا قوم او باشند. او ده فرمان را به آنها می‌دهد، آنها را قوم خود می‌داند و سرزمین موعود را به آنها می‌دهد که پس از شکست دادن کنعانیان آن را اشغال می‌کنند. خلاصه داستان خیلی ساده است، اما همینطور است و به عنوان یک خلاصه داستان، هدف خود را برآورده می‌کند.

بعدها، خدا داوود را به عنوان پادشاه اورشلیم به آنها می‌دهد. خدا قول می‌دهد که از نسل داوود یک سلسله بسازد و تاج و تخت یکی از آنها را برای همیشه برقرار کند. دوم سموئیل ۷:۱۴ تا ۱۶

خداوند از روی رحمت، پیامبران زیادی را می‌فرستد تا قوم عهد عتیق خود را از داوری‌ای که در صورت توبه نکردن از گناهانشان و روی آوردن به سوی خداوند فرا خواهد رسید، آگاه کند. با این وجود، آنها در پاسخ بارها و بارها علیه او و پیامبرانش شورش می‌کنند و به بت‌پرستی آشکار و نفرت‌انگیز دست می‌زنند. در پاسخ خداوند پادشاهی شمالی متشکل از ۱۰ قبیله را در سال ۷۲۲ قبل از میلاد به اسارت در آشور می‌فرستد و پادشاهی جنوبی از این موضوع درس نمی‌گیرد، بلکه به بت‌پرستی ادامه می‌دهد، حتی نوادگان داوود که بر تخت سلطنت نشستند، بت‌ها را به معبد خدا می‌آورند و غیره.

درست است که این در نظر خدا منجرکننده است، و او به نفرین‌های خود عمل می‌کند، و پادشاهی جنوبی دو قبیله، یهودا و بنیامین، در سال ۵۸۶ قبل از میلاد به اسارت در بابل می‌روند. خداوند همچنین از طریق پیامبران وعده می‌دهد که یک نجات‌دهنده بفرستد، به عنوان مثال، اشعیا ۹:۶ و ۷. زیرا برای ما فرزندی به دنیا آمده، پسری به ما بخشیده شده است، و حکومت بر دوش او خواهد بود، و نام او مشاور شگفت‌انگیز خدای قادر، پدر جاودان، شاهزاده صلح نامیده خواهد شد.

ترقی سلطنت و صلح او را پایانی نخواهد بود. بر تخت داوود و بر قلمرو او تا آن را با عدالت و راستی از اکنون تا ابد پایدار و استوار سازد. غیرت خداوند لشکرها این را به انجام خواهد رساند.

من قصد ندارم اشعیا ۵۳ را بخوانم، اما فقط کمی از آن را می‌چشم. خدا وعده می‌دهد که بنده رنج‌کشیده خود را بفرستد، اشعیا ۵:۵. او به خاطر گناهان ما سوراخ شد. او به خاطر گناهان ما له شد. بر او تنبیهی آمد که برای ما آرامش به ارمغان آورد، و با زخم‌های او، ما شفا یافتیم.

هر یک به راه خود برگشته‌ایم، و خداوند گناه همه ما را بر او نهاده است. خداوند وعده می‌دهد که قوم خود را پس از ۷۰ سال از اسارت بابل به سرزمینشان بازگرداند. ارمیا ۲۵ حداقل یکی از دو جایی است که در این پیشگویی قابل توجه، اما از بسیاری جهات غم‌انگیز، به ما گفته شده است.

ارمیا ۱۱:۲۵ و ۱۲. خداوند از طریق پیامبر خود می‌گوید: «تمام این سرزمین به ویرانه و متروکه تبدیل خواهد شد و این ملت‌ها ۷۰ سال پادشاه بابل را خدمت خواهند کرد.» سپس، پس از اتمام ۷۰ سال، من پادشاه بابل و آن ملت را به خاطر سرزمین کلدانیان به خاطر گناهانشان مجازات خواهم کرد و این سرزمین را به ویرانه‌ای ابدی تبدیل خواهم کرد.

خداوند قوم را برای تحقق آن پیشگویی در زمان عزرا و نحمیا احیا می‌کند. مردم دیوارهای اورشلیم را بازسازی کردند و معبد دوم را ساختند، اما عهد عتیق با ادامه رویگردانی قوم خدا از او به پایان می‌رسد. کتاب ملاکی در این زمینه آموزنده است.

پس از ۴۰۰ سال، خداوند پسر خود را به عنوان مسیح موعود، بنده رنج‌کشیده، پادشاه اسرائیل، پسر انسان پادشاه داوود و نجات‌دهنده جهان فرستاد. عیسی هدف از آمدن خود را بیان می‌کند و نقل می‌کند که پسر انسان نیامده تا خدمت شود، بلکه آمده است تا خدمت کند و جان خود را به عنوان فدیة برای بسیاری فدا کند. عبارت معروف فدیة در مرقس ۱۰:۴۵ یکی از دو جایی در انجیل مرقس است که در آن کار کفار مسیح توضیح داده شده است.

جای دیگر در کلام، در نهاد شام خداوند در فصل ۱۴ انجیل مرقس است. عیسی شاگردانی را انتخاب می‌کند، با آنها وقت می‌گذرانند، در مورد پادشاهی خدا به آنها تعلیم می‌دهد، شیاطین را بیرون می‌کند، معجزات انجام می‌دهد و بیش از یک بار مرگ و رستاخیز خود را پیشگویی می‌کند. پس از رستاخیز، شاگردان خود را هدایت می‌کند تا انجیل را به همه ملت‌ها برسانند تا وعده خدا به ابراهیم مبنی بر برکت همه مردم را محقق کنند.

در روز پنطیکاست، عیسی و پدر، روحی را فرستادند که کلیسا را به عنوان قوم عهد جدید خدا تشکیل داد. این روح به شاگردان قدرت می‌دهد تا انجیل را به جهان برسانند. پولس و پطرس اغلب کلیساها را با اصطلاحات عهد عتیق توصیف می‌کنند.

غلاطیان ۶:۱۶، پولس کلیسا را اسرائیل خدا می‌نامد. فیلیپیان ۳:۳، پولس می‌گوید ما ختنه شدگان حقیقی هستیم که مسیح را جلال می‌دهیم و در روح می‌پرستیم و به جسم اعتماد نداریم. نقل قول بدی است.

اول پطرس ۲:۹ و ۱۰ شامل مجموعه‌ای از متون عهد عتیق از خروج ۱۹ و جاهای دیگر است که مستقیماً به قوم خدا در عهد جدید مربوط می‌شود. بین قوم خدا در عهد عتیق و عهد جدید پیوستگی وجود دارد. اول پطرس ۲:۹ و ۱۰.

اما شما، برخلاف کسانی که از سنگ لغزش که عیسی است، می‌لغزند، شما قومی برگزیده، کاهنانی سلطنتی ملتی مقدس، قومی که ملک خاص خداست هستید، تا فضایل او را که شما را از تاریکی به نور شگفت‌انگیز خود فراخوانده است، اعلام کنید. زمانی، شما قومی نبودید، به نقل از هوشع، اما اکنون قوم خدا هستید. زمانی، شما رحمتی دریافت نکردید، اما اکنون رحمت یافته‌اید.

بین اسرائیل عهد عتیق و کلیسا پیوستگی و گسستگی وجود دارد. از یک سو، کلیسا، به عنوان قوم خدا، اسرائیل معنوی است که از یهودیان و غیریهودیان مؤمن تشکیل شده است. از سوی دیگر، پولس این نقل قول را تعلیم می‌دهد زیرا مواهب و دعوت لطف‌آمیز خدا غیرقابل بازگشت است.

رومیان ۱۱:۲۹. آیه ۲۸ از رومیان ۱۱ وضعیت غیرعادی اسرائیل قرن اول و اسرائیل فعلی را تا بازگشت مسیح توضیح می‌دهد. در مورد انجیل، آنها به خاطر شما، ای غیریهودیان، دشمن هستند.

اما در مورد برگزیدگی، آنها به خاطر اجدادشان محبوب هستند، زیرا عطایا و دعوت خدا برگشت‌ناپذیر است زیرا همانطور که شما زمانی از خدا نافرمان بودید، اما اکنون به دلیل نافرمانی آنها رحمت یافته‌اید، خدا غیریهودیان را نیز فراخوانده است، زیرا یهودیان انجیل را رد کردند. بنابراین، آنها نیز اکنون نافرمان شده‌اند تا به واسطه رحمتی که به شما غیریهودیان نشان داده شده است، یهودیان نیز اکنون رحمت یابند.

رحمت خدا همه را به نافرمانی سپرده است تا او بر همه رحم کند. این فرصتی برای انفجار اوست. آه، چه ژرفای ثروت و حکمت و دانش خدا.

چقدر احکام او دست‌نیافتنی و چقدر راه‌های او نامفهوم است، زیرا چه کسی فکر خداوند را دانسته یا چه کسی مشاور او بوده یا چه کسی هدیه‌ای به او داده است تا پاداشی دریافت کند؟ هیچ کس، هیچ کس: هیچ کس، هیچ کس، زیرا از او و از طریق او و برای اوست که همه چیز وجود دارد. خلاصه مطلب این است: جلال تا ابد از آن اوست. آمین.

بین مجموعه‌های قدیمی و جدید قوم خدا پیوستگی وجود دارد. هنوز آینده‌ای برای قوم اسرائیل، فرزندان خونی ابراهیم و سارا، وجود دارد.

خداوند بسیاری از یهودیان را از طریق انجیلی متفاوت، راهی متفاوت برای رستگاری، به سوی خود می‌آورد و خواهد آورد. چنین چیزی وجود ندارد، اما او درخت زیتون طبیعی و شاخه‌های آن را می‌آورد و آنها را دوباره به درخت زیتون خودشان پیوند می‌زند. پس از پیوند شاخه‌های زیتون وحشی، غیریهودیان، به روشی که شکل نشان می‌دهد و تقدیرگرایان مترقی موافق آن هستند، وحدت فراگیر قوم خدا را در هر دو عهد نشان می‌دهند.

مسیحیان در مورد اینکه آیا آینده‌ای برای اسرائیل ملی وجود دارد یا خیر، اختلاف نظر دارند، اما مسیحیان نباید در مورد این واقعیت که آینده‌ای برای اسرائیل قومی وجود دارد، اختلاف نظر داشته باشند. همانطور که بعداً خواهیم دید، وقتی در مورد نشانه‌های «از پیش» و «از پیش نه» بحث می‌کنیم، باید بگوییم، هر ویژگی اصلی چیزهای آخر تا حدی محقق شده است، و ما به شکلی بزرگتر محقق خواهیم شد. بنابراین، در فاصله بین آمدن مسیح، بسیاری از یهودیان به مسیح روی می‌آوردند و به مسیح خواهند آمد، اما به نظر می‌رسد که برداشت بزرگی از مؤمنان یهودی به مسیح در زمان آمدن دوم عیسی صورت خواهد گرفت.

یهودیان پیش از این، در فاصله‌ی بین ظهور مسیح نجات یافته بودند، و هنوز آن برداشت بزرگ نهایی که پولس می‌توانست بگوید، رخ نداده بود، و به این ترتیب، تمام اسرائیل نجات خواهد یافت. البته نه هر اسرائیلی، بلکه برداشت بزرگی در پایان عصر. وقتی خدا ما را در نجات به مسیح پیوند می‌دهد، ما را به هر کس دیگری که به مسیح پیوسته است نیز می‌پیوندد.

عهد جدید، کلیسا را از بسیاری جهات در اتحاد با مسیح به تصویر می‌کشد. اتحاد با مسیح یک اصل نجات‌شناسی فردی است. وقتی در ۲۱ سالگی به عیسی ایمان آوردم، به لطف و روح خدا به او پیوستم.

اما بلافاصله، اگرچه متوجه آن نبودم، اگرچه از قبل مورد محبت جماعت خدا از قوم خدا بودم، به مشارکت با دیگرانی که به مسیح پیوسته بودند، کشیده شدم و ما اعضای بدن او بودیم. ما در مسیح برادر و خواهر بودیم و غیره. عهد جدید کلیسا را از بسیاری جهات در اتحاد با مسیح به تصویر می‌کشد.

او تاک است و کلیسا شاخه‌های آن، یوحنا ۱۵. او داماد است و کلیسا عروس اوست، اول قرن‌تین ۱۵:۶ تا افسسیان ۵:۲۲ تا ۳۲. از آنجایی که قرار است کمی بعد به این تصاویر نگاه کنید، من الان متن‌ها را، ۱۷، نمی‌خوانم و بعداً آنها را می‌خوانم.

مرور کلی به عنوان بخشی از طرح کلی کتاب مقدس-الهیات ما. او سر است و کلیسا بدن اوست، افسسیان تا ۳۰، کولسیان ۱:۱۸. کلیسا در پدر و پسر ساکن است، یوحنا ۱۷:۲۰ و ۲۱، اول یوحنا ۴:۱۶ تا ۲۹، ۵:۲۳.

کلیسا یک معبد زنده است. بیخشید. کلیسا یک معبد زنده است.

اول قرن‌تین ۳: ۱۶، ۱۷، افسسیان ۲: ۱۹ تا ۲۲، اول پطرس ۲: ۶ تا ۸. کلیسا در مسیح است، که نه همیشه، اما اغلب به اتحاد با مسیح اشاره دارد. اول قرن‌تین ۱: ۳۰، دوم قرن‌تین ۵: ۲۱. کلیسا در داستان عیسی مشارکت دارد.

ما با او بودیم، با او مُردیم. با او دفن شدیم. با او برخیزانیده شدیم.

ما با او عروج کردیم. ما با او با خدا نشستیم. و حتی این حس وجود دارد که کتاب مقدس در رومیان ۸ و کولسیان ۳ پیرامون آیه سوم تعلیم می‌دهد، شاید این حس وجود داشته باشد که ما دوباره با او بازمی‌گردیم.

ما از نظر روحانی چنان به او پیوسته‌ایم که هویت واقعی ما تنها زمانی آشکار می‌شود که او ظهور کند، و سپس، ما با او ظاهر خواهیم شد، کولسیان ۳ در اوایل. کلیسا در داستان عیسی مسیح مشارکت دارد، رومیان ۶ تا ۸ کولسیان ۲:۲۰، و کولسیان ۱:۳ تا ۴. یهودا از این که کلیسا شامل کسانی است که فراخوانده شده‌اند، توسط خدا، پدر، دوست داشته شده‌اند و برای عیسی مسیح حفظ شده‌اند، نقل قول می‌کند، شادمان است. من گاهی اوقات از ترجمه متفاوتی استفاده می‌کنم.

او از این موضوع خوشحال می‌شود که، بسیار خوب، چه کسی یهودا و آدم را برد؟ او، آنجا، یهودا آنجاست. کلیسا کسانی هستند که فراخوانده شده‌اند، محبوب خدای پدر هستند و برای عیسی مسیح محفوظ مانده‌اند. ما به عنوان قوم خدا، متعلق به او هستیم.

و شگفت‌آور اینکه، او به ما تعلق دارد. این معنای عهد است. خدا خود را به قومش متعهد می‌کند.

این امر تنها در آسمان‌ها و زمین جدید، نه هنوز، به طور کامل محقق خواهد شد. پس از آنکه خدا ما را از مردگان برخیزاند، ما را جلال دهد و در میان ما، آشکارا و به طور ظاهری، ساکن شود، مکاشفه ۲۱: ۱ تا ۴. این داستان کتاب مقدس ماست. عبارات کلیدی

پیدایش ۱۲: ۱ تا ۳. خروج ۱۹: ۴ تا ۶. متی ۵ تا ۷، موعظه بالای کوه. متی ۱۶: ۱۶ تا ۱۹. عیسی گفت: من کلیسای خود را خواهم ساخت.

اعمال رسولان ۲: ۳۷ تا ۴۷. اول قرن‌تین ۱۲: ۱۴ تا ۳۱. افسسیان ۲: ۱۱ تا ۲۲.

کلیسا در متون برگزیده. در متون بعدی، خوب، خوب، خوب. در متون بعدی، به لطف خدا، ابراهیم او را می‌شناسد و خدا به او سرزمینی را وعده می‌دهد که در نهایت به معنای زمین جدیدی است که همه قوم رستگار و رستاخیز یافته خدا ابدیت را بر روی آن خواهند گذراند.

همانطور که وعده می‌دهد، خداوند به ابراهیم و سارا که فرزندی نداشتند، پسری می‌دهد که پدر یعقوب است، کسی که خداوند نامش را به اسرائیل تغییر می‌دهد و از او قوم موعود پدید می‌آید. خداوند وعده می‌دهد که همه مردم را از طریق ابراهیم برکت دهد. این وعده در نهایت در مسیح محقق می‌شود، زیرا ابراهیم پدر همه مؤمنان، صرف نظر از قومیتشان، است و همه مؤمنان پسران او هستند.

پس از آزادی یعقوب، نوادگان اسرائیل از مصر، خداوند در کوه سینا با موسی ملاقات می‌کند و به او می‌گوید که به اسرائیل رهایی خدا از آنها و عهد او با آنها را یادآوری کند. خداوند قول می‌دهد که آنها را قوم خود قرار دهد که او را می‌پرستند و در میان ملت‌ها به او خدمت می‌کنند و آنها را به یک ملت خداترس تبدیل کند. خداوند در حال انجام یک مأموریت است و قصد دارد از طریق قوم عهد خود به ملت‌ها برسد.

قبل از اینکه به تفصیل به بررسی متون خاص پردازم، خلاصه‌ای از محتوای آنها را ارائه می‌دهم. در خطبه بالای کوه، عیسی دیدگاه خود را برای جامعه پادشاهی جدید خود بیان می‌کند. در خوشبختی‌ها، عیسی پادشاهی خدا را با فقر معنوی، سوگواری، فروتنی، عطش برای خداپرستی، رحمت، صلح و آزار و اذیت مرتبط می‌داند.

عیسی می‌گوید برای کسانی که چنین چیزهایی را می‌پذیرند، پادشاهی آسمان اکنون است و برکت بزرگتر در کمال آینده از راه خواهند رسید. شاگردان او نباید از دنیا کناره‌گیری کنند یا به آن آلوده شوند، بلکه باید مأموریت زندگی مقدس و شهادت به انجیل را دنبال کنند. پس از اینکه پطرس اعتراف می‌کند که عیسی مسیح و پسر خداست، عیسی اعلام می‌کند که پطرس رهبر کلیسای عیسی خواهد بود.

عیسی خداوند و مسیح است که جامعه مسیحایی خود را بنا می‌کند، جامعه‌ای که او آن را بر دشمنانش، از جمله مرگ، پیروز خواهد کرد. شاگردان با موعظه انجیل، مؤمنان را به پادشاهی خدا دعوت می‌کنند. وقتی پطرس در روز پنطیکاست، مسیح مصلوب و قیام کرده را موعظه می‌کند، ۳۰۰۰ نفر ایمان می‌آورند و غسل تعمید می‌گیرند.

لوقا توضیح می‌دهد که کلیسای اولیه به تعلیم رسولان، مشارکت، شام خداوند و دعا اختصاص داشت. این کلیسا با شادی، ستایش، شهرت خوب و رشد مشخص می‌شود. در نجات، روح همه مؤمنان را با مسیح متحد می‌کند و ما را به عضوی از بدن او تبدیل می‌کند تا به او و یکدیگر تعلق داشته باشیم.

خداوند کلیسا را برای اتحاد طراحی کرده و به اعضا اجازه می‌دهد که در رنج‌ها و شادی‌های یکدیگر سهیم باشند. پولس هدایا را بر اساس اهمیت مرتب می‌کند و چیزی بهتر از هدایا را نشان می‌دهد: عشق. خداوند پسرش را فرستاد که مرگ و رستخیزش بین خدا و ما صلح ایجاد کرد.

کار آشتی‌بخش او، مؤمنان، یهودیان و غیریهودیان مؤمن را در یک بشریت جدید متحد می‌کند و آنها با هم وارد رابطه‌ای با تثلیث می‌شوند. پیدایش ۱۲، ۱ تا ۳. تاریخ رستگاری، این نقل قولی است، مانند تاریخ خلقت، با سخن گفتن خدا آغاز می‌شود.

درک کیدنر همین را در تفسیر خود از کتاب پیدایش در مجموعه تفسیر عهد عتیق تیندل می‌گوید. تاریخ رستگاری، مانند تاریخ خلقت، با سخن گفتن خدا آغاز می‌شود. پیدایش ۱ می‌گوید خدا با کلام خود خلقت را به وجود می‌آورد، و در اینجا او ابرام، پدر والامقام، که نامش بعداً توسط خدا به ابراهیم، پدر انبوه مردم تغییر می‌کند، را می‌نامد (پیدایش ۱۷:۵). (خدا به او دستور می‌دهد که خانه‌اش را در اور کلدانیان، کلدانیان، ترک کند و به سرزمینی برود که خدا به او نشان خواهد داد (پیدایش ۱۲:۱). (برخلاف پدرش، تارح، که بت‌ها را می‌پرستید (یوشع ۲۴: ۲)، ابراهیم به دلیل ابتکار عمل مهربانانه‌اش، خدای حقیقی را می‌شناسد.

در برنامه‌های خدا، ابراهیم پدر قوم خدا خواهد شد. در کنار تنها فرمان خدا به ابراهیم، خدا وعده‌های شگفت‌انگیزی به او می‌دهد. ایده برکت در وعده‌ها موج می‌زند و پنج بار تکرار می‌شود.

این وعده‌ها، اساس تمام رفتارهای خدا با قومش هستند. خدا ۱ وعده می‌دهد که به ابرام سرزمینی عطا کند و وعده می‌دهد که از او ملتی بزرگ پدید آورد، ۳ وعده می‌دهد که او را برکت دهد و نامش را بزرگ سازد، ۲۴ وعده می‌دهد که از او محافظت کند، و ۵ وعده می‌دهد که از طریق او، تمام مردم زمین را برکت دهد، (پیدایش تا ۳. (این پنج وعده اساسی توجه ما را جلب می‌کنند. اول، خدا به ابراهیم سرزمینی وعده می‌دهد ۱: ۱۲.

این سرزمین موعودی است که اسرائیل سرانجام پس از ۴۰ سال سرگردانی در بیابان وارد آن خواهد شد. در زمان یوشع، اسرائیل تقریباً کنعانیان را آواره می‌کند و آن سرزمین را تصرف می‌کند و ما در زمین جدید، رومیان، زندگی خواهیم کرد که در آن همه قوم رستخیز یافته خدا ابدیت را خواهند گذراند. شما می‌گویید، ۴:۱۳، رومیان ۴:۱۳، زمین جدید؟ اوه، بله.

بله. در مورد پدر ابراهیم، پدر مؤمنان، می‌خوانیم که وعده به ابراهیم و فرزندانش مبنی بر اینکه او وارث جهان خواهد بود، از طریق شریعت نیامده، بلکه از طریق عدالت ایمان آمده است. وعده این است که او وارث جهان، وارث سرزمین خواهد بود، که در عهد جدید به وارث جهان تبدیل می‌شود.

ما در زمین جدید زندگی خواهیم کرد، رومیان ۴:۱۳، که در آن همه قوم رستخیز یافته خدا ابدیت را خواهند گذراند، عبرانیان ۱۱:۱۰، قوم خدا، چه در عهد عتیق و چه در عهد جدید. دوم، خدا وعده می‌دهد که از ابراهیم ملتی بزرگ به وجود آورد. این امر از نظر انسانی غیرممکن بود زیرا سارا نازا بود، پیدایش ۱۱:۳۰ بروس والتکه، نقل قول می‌کند، از طریق این زوج بی‌فرزند، خدا انسانیت جدیدی را به وجود خواهد آورد که نه از اراده شوهر، بلکه به اراده خدا متولد می‌شود، نقل قول نزدیک

والتکه، تفسیر پیدایش، صفحه ۲۰۱، البته با اشاره به یوحنا ۱، حدود آیه ۱۲. دوم، خدا وعده می‌دهد که از ابراهیم، که من همین الان گفتم، ملتی بزرگ پدید آورد. خدا به ابراهیم و سارا اسحاق را می‌دهد، که پدرش یعقوب بود، که خدا نامش را به اسرائیل تغییر می‌دهد، و از او خدا ملت موعود را پدید می‌آورد.

در نهایت، مسیح از اسرائیل می‌آید و او رئیس بشریت جدید متشکل از یهودیان و غیریهودیان مؤمن است و ریشه در وعده خدا به ابراهیم دارد، غلاطیان ۳: ۷-۹. سوم، برخلاف کسانی که برج بابل را می‌سازند و به دنبال کسب شهرت برای خود هستند، پیدایش ۱۱: ۴، این یک نقل قول است، خدا به ابراهیم وعده نامی بزرگ می‌دهد. عظمت از همین جا سرچشمه می‌گیرد. این هدیه‌ای از جانب خداست.

ما به دنبال آن نیستیم. این نکته قابل توجه است، زیرا کتاب مقدس فقط به نام خدا عظمت را نسبت می‌دهد، به جز دو استثنا در کل کتاب مقدس. یکی داوود است، من نام بزرگی برای تو خواهم ساخت، دوم سموئیل ۷: ۹. دیگری پدر ابراهیم است.

باورنکردنی. خدای من. چهارم، خدا قول می‌دهد که از ابراهیم محافظت کند.

خداوند قوم خود را که ابراهیم را برکت دهند، برکت خواهد داد و هر کسی را که با او بی‌احترامی کند، نفرین خواهد کرد. این یک بیمه‌نامه خوب است. پنجم، خداوند وعده می‌دهد که همه مردم زمین را از طریق ابراهیم برکت دهد، پیدایش ۱۲:۳. گوردون ونهام نشان می‌دهد که در برکت خداوند نوعی انباشت وجود دارد.

اولاً، فقط ابراهیم برکت یافته است. سپس، او یک برکت خواهد بود، او یک برکت خواهد بود. سپس، کسانی که او را برکت می‌دهند، برکت یافته‌اند.

در نهایت، همه خانواده‌ها از طریق او، از طریق وعده اولیه خدا به ابراهیم، برکت می‌یابند، اگرچه وعده اولیه خدا به ابراهیم این است که در تو، همه خانواده‌های زمین برکت خواهند یافت، پیدایش ۱۲:۳. بعداً می‌خوانیم که همه ملت‌های زمین برکت خواهند یافت، پیدایش ۱۸:۱۸، ۲۲:۱۸، ۲۶:۴. من مثل آن مرد بخت‌آزمایی میسوری به نظر می‌رسم. دوباره این کار را خواهم کرد. همه خانواده‌ها به همه ملت‌ها تبدیل می‌شوند.

هر دو در پیدایش ۱۸:۸، ۲۲:۱۸ و ۲۶:۴ صادق هستند. این وعده در نهایت در مسیح محقق می‌شود، زیرا ابراهیم، همانطور که نقل شده است، پدر همه کسانی است که ایمان آورده‌اند، یهودی و غیریهودی، رومیان و ۱۲. او در نظر خدا پدر ماست، ۴:۱۷. بنابراین، مؤمنان به مسیح پسران ابراهیم، فرزندان ابراهیم ۴:۱۱ هستند، غلاطیان ۳:۷، در واقع پسران و وارثان نسل ابراهیم طبق وعده هستند، این یک نقل قول است پیدایش، غلاطیان ۳:۲۹. در مجموع، خدا به ابراهیم وعده می‌دهد، نقل قول می‌کند، من تو را ملتی بزرگ خواهم ساخت، تو را برکت خواهم داد، نام تو را بزرگ خواهم کرد، و خدا او را مأمور می‌کند که برای ملت‌ها برکت باشی. من تو را برکت خواهم داد تا تو برای ملت‌ها برکت باشی.

همانطور که دکتر رایت نشان داده است، کریستوفر رایت در کتاب فوق‌العاده‌اش، «ماموریت خدا»، نشان داده است، ابراهیم به خاطر رسالت برگزیده شده است. خروج ۱۹: ۴ تا ۶، دومین متن منتخب ما. سه ماه پس از ترک مصر، بنی‌اسرائیل در تحقق وعده خدا به موسی، خروج ۳:۱۲، به کوه سینا می‌آیند. او برای ملاقات با خدا بالا می‌رود، خدا با او صحبت می‌کند و به او می‌گوید که به مردم چه بگوید، همانطور که در خروج ۱۹: ۱ تا ۳ آمده است. خدا به موسی گفت که به مردم یادآوری کند که خدا با مصریان چه کرده است.

او خدایان مصر و فرعون، یکی از خدایان آنها، را در ده بلا شکست داد و ارتش فرعون را در دریا نابود کرد. خداوند اظهار می‌دارد، نقل قول می‌کند، من شما را بر بال‌های عقاب حمل کردم، خروج ۱۹:۴. استعاره پرواز

عقاب، رهایی قومش توسط خداوند را در خروج برجسته می‌کند. مراقبت عقاب‌ها از جوجه‌هایشان، بر محافظت و مراقبت فراوان خداوند تأکید دارد.

او با عشق، آنها را با قدرت از ۴۳۰ سال بردگی در مصر رهایی بخشید. وقتی خداوند می‌گوید: «من شما را نزد خود آوردم»، خروج ۱۹: ۴، او از بستن پیمان با بنی‌اسرائیل صحبت می‌کند. پیمان، رابطه‌ای رسمی بین خدای زنده و قومش است.

می‌خواهم از داگلاس کی. استوارت، کتاب خروج، و تفسیر جدید آمریکایی، تشکر کنم که کمک شایانی به من کردند. این کتاب فوق‌العاده است. این کتاب به من نشان می‌دهد که چقدر در مورد عهد عتیق نمی‌دانم، اما می‌توانم به افرادی که در این مورد اطلاعات دارند، اعتماد کنم.

«در اینجا، عهد خدا با این کلمات بیان شده است: «من خدای شما خواهم بود و شما قوم من خواهید بود لاویان ۱۲: ۲۶، ارمیا ۲۳: ۷. پیش از این، خدا به آنها گفته بود که او کیست. اکنون به آنها می‌گوید که آنها چه کسانی هستند.

او شرایط رابطه آنها را بیان می‌کند. او مردم را موظف می‌کند که از او اطاعت کنند و به عهد خود با او وفادار باشند، خروج ۱۹: ۵. در عوض، خدا سه وعده بزرگ به بنی‌اسرائیل می‌دهد. اول، اگرچه او خالق تمام زمین است، اما آنها را تنها، به نقل از آیه ۵، متعلق به خود خواهد کرد. اگرچه همه ملت‌ها متعلق به خدا هستند، اما فقط بنی‌اسرائیل قوم او خواهند بود.

فیلیپ رایکن، در کتاب خروج، ذخیره شده برای جلال خدا، در مجموعه موعظه کلام از انتشارات اشاره می‌کند که کلمه‌ای که برای دارایی‌ها استفاده می‌شود، به دارایی متعلق به یک پادشاه، Crossway اشاره دارد. او توضیح می‌دهد که به دلیل لطف خدا، اسرائیل دارایی سلطنتی خدا، گرانبهارترین دارایی او بود البته، پادشاه به یک معنا صاحب همه چیز است، اما دارایی‌های بسیار گرانبهای او با کلمه‌ای که برای اسرائیل بزرگ استفاده می‌شود، بیان می‌شوند. دوم K به عنوان دارایی گرانبها، دارایی گرانبهای پادشاه بزرگ با بنی‌اسرائیل پادشاهی کاهنان خواهند بود.

این امر هم در داخل و هم در خارج از اسرائیل متمرکز است. در داخل ملت، هر اسرائیلی باید خدا را پرستش و خدمت کند. در خارج از اسرائیل، اسرائیلیان باید به عنوان کاهن در میان ملت‌ها به خدمت خدا اختصاص داده شوند.

قوم خدا نباید خود را از بقیه جهان جدا کنند. بلکه، همانطور که کاهنان بین خدا و مردم قرار می‌گیرند بنی‌اسرائیل باید نماینده او در برابر ملت‌ها باشند. اسرائیل چگونه باید این کار را انجام دهد؟ پاول هاوس پاسخ می‌دهد، نقل قول می‌کند، این خدمت کاهنی شامل آموزش دقیق کلام خدا نیز می‌شود.

هوشع ۴: ۱ تا ۱۴. ملاکی ۲: ۷ تا ۹. این خدمت کاهنی شامل دعا برای دیگران نیز می‌شد. ارمیا ۱۵: ۱ تا ۲. خدمت کاهنی اسرائیل شامل کمک به مردم برای پرستش خدا با تقدیم قربانی‌های مناسب بود.

رجوع کنید به ملاکی ۱: ۶ تا ۱۴. سوم، اسرائیل قوم مقدس خدا خواهد بود. خروج ۱۹: ۶. همانطور که شایسته قومی است که با خدای مقدس عهد مشارکت دارند.

بنی‌اسرائیل، همانطور که در خروج ۲۱: ۲-۱۷ آمده است، تمام زندگی، از جمله تعامل با خدا، همسایگان و سایر ملت‌ها را در بر می‌گیرد. اگر بنی‌اسرائیل در پرتو این سه وعده زندگی می‌کردند، به انتقال برکت خدا به ابراهیم کمک می‌کردند. همه مردم روی زمین از طریق تو برکت خواهند یافت.

پیدایش ۱۲:۳. پطرس پیوستگی بین قوم خدا در عهد عتیق و عهد جدید را نشان می‌دهد، زمانی که سخنان موسی از خروج ۱۹:۴ را در مورد کلیسا به کار می‌برد. شما قومی برگزیده، کاهنانی سلطنتی، ملتی مقدس، قومی از ملک خاص او هستید. اول پطرس ۲:۹. پطرس اضافه می‌کند، نقل قول کنید، تا بتوانید ستایش‌های کسی را که شما را از تاریکی به نور شگفت‌انگیز خود فراخوانده است، اعلام کنید.

نقل قول پایانی. زنده نگه داشتن هویت خود به عنوان قوم خدا مهم است. این امر باعث جلال خدا می‌شود و در محوریت رسالت خدا قرار دارد.

خلاصه اینکه، خدا انتخاب خود از میان اسرائیل را بیان می‌کند. قوم عهد، دارای ارزشمند او، پادشاهی کاهنان او، و قوم مقدس او وجود دارند. این ویژگی قابل توجه است.

این ویژگی، یک لغزش فرویدی است. افراد عجیبی وجود دارند که کاملاً خوب هستند، و این ویژگی قابل توجه است. از بین تمام ملت‌ها، تو از آن من هستی، خدا می‌گوید.

حتی جالب‌تر این است که خاص بودن خدا اساس جهان‌شمولی اوست. از میان تمام ملت‌ها، تو از آن من هستی و تمام زمین از آن من است. بنابراین، تو برای من پادشاهی کاهنان و ملتی مقدس خواهی بود.

خداوند در حال انجام مأموریتی است و قصد دارد از طریق قوم عهد خود به ملت‌ها برسد. آنها از طریق تمایز خود به عنوان ملت مقدس او، به او در راه‌هایش شهادت خواهند داد. و از طریق اعلام خود به عنوان پادشاهی کاهنان، به او شهادت خواهند داد، نقل قول می‌کنند، دانش خدا را به ملت‌ها می‌آورند و ملت‌ها را به وسیله کفار با خدا می‌آورند. کریستوفر رایت، *مأموریت خدا*.

متأسفانه، البته، با آشکار شدن داستان عهد عتیق، آنها تا حد زیادی در این مأموریت شکست می‌خورند. در سخنرانی بعدی خود، دفعه بعد در عهد جدید به بررسی این متون بسیار ویژه در مورد قوم خدا ادامه خواهیم داد.

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم و در حال تدریس در مورد آموزه‌های کلیسا و آخرالزمان. این جلسه ۱، داستان کتاب مقدس و متون کلیدی است.